

استانداردهای روایت

نگاهی به تاریخچه، ضرورت و اهمیت موضوع تاریخ شفاهی
غلامرضا درکتانیان*

اینک که بحث اصلی این شماره ماهنامه زمانه به تاریخ شفاهی اختصاص یافته است، بد نیست با مؤسسات و نهادهای داخلی و خارجی فعال در زمینه این رشته مطالعاتی که به ندوین تاریخ شفاهی مربوط به ایران می‌پردازند و نیز با نگرش برخی اندیشمندان این حوزه جدید علمی آشنا شویم. لازم به ذکر است، اعم از آن که تاریخ شفاهی به قدمت تاریخ بشری لحاظ شود و یا حضور و بالندگی خود را مدیون تکنولوژی مدرن باشد، در هر حال ثابت کرده است که کارایی بسیاری در حوزه‌های متعددی از جامعه‌شناسی و ادبیات و ... گرفته تا حتی عرصه علوم نظامی دارد و لذا جای آن است که حدی گرفته شود و از فرصت‌های موجود در راستای بهینه‌سازی آن استفاده گردد. شاید برای دستیابی به این هدف لازم باشد که نسلی جوان، شاداب و پرتلاطم، با ناسیس رشته‌های دانشگاهی مختص این گونه از فعالیت پژوهشی، در عرصه تاریخ‌نگاری تربیت شوند؛ گمانکه با تلاش‌هایی که اخیراً صورت می‌گیرد، به‌نظر می‌رسد تحقق این آرزو مستمادالله در آینده‌ای نزدیک صورت واقعی پیدا خواهد کرد. مثلاً حاضر، که فصل‌بندی، تعریف و ملاحظاتی خوبی را در مورد این رشته توسط سلطانعلی مطرچ می‌کند، نقدیم خوالندگان عزیز می‌گردد.



نگرش جهانی به تاریخ، آن را امر مهمی به‌شمار می‌آورد، تا آنجا که ناآشنایی یک جامعه با تاریخ ملی، در واقع بدان معنا است که آن جامعه هویت خود را نمی‌شناسد. شناخت این تاریخ و هویت، مستلزم تحقیق در زمینه‌های مختلف تاریخی است و از آنجا که منابع مکتوب به تنهایی نیاز اطلاعاتی پژوهشگران را در این زمینه مرتفع نمی‌سازند، استفاده از تاریخ شفاهی در کنار منابع کتبی از ضرورت خاصی برخوردار است. در واقع باید گفت تاریخ شفاهی یکی از مهمترین و

اساسی‌ترین روش‌های تاریخ‌نگاری معاصر است که در بازجست و تدوین شواهد و مدارک لفظی و بیانی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. تاریخ شفاهی، تکنیک، روش و شیوه‌ای است که با استفاده از ابزار صوتی و تصویری، به ثبت و ضبط خاطرات، شنیده‌ها و مشاهدات مربوط به یک رویداد و واقعه تاریخی خاص می‌پردازد. در خصوص عبارت «تاریخ شفاهی» در میان متخصصان بحث‌های مختلفی وجود دارد.

۱- برخی تمام منابع معتبر تاریخی مورخانی چون طبری، ابن‌اثیر، ابن‌زهری و ذهبی را که به نقل وقایع مربوط به زمان پیامبر از روایات سینه‌به‌سینه تابعین یا تابعین تابعین می‌پردازند، نیز تاریخ شفاهی قلمداد می‌کنند. در واقع باید گفت این گروه، منابع دست اول و معتبر تاریخ اسلام را به لحاظ آن که مبتنی بر روایات هستند، در زمره تاریخ شفاهی قرار می‌دهند.

۲- برخی دیگر تاریخ شفاهی را یکی از پدیده‌های جدید می‌دانند که برای دستیابی به پاره‌ای رهیافتهای تازه در مطالعات تاریخی، پس از اختراع ضبط صوت و استفاده از آن در سال ۱۹۴۸م توسط آلن نونیز به منظور ضبط خاطرات بسط و توسعه یافت و با تشکیل انجمن جهانی تاریخ شفاهی (OHA) - که به منظور توسعه استانداردهای جهانی و گسترش تاریخ شفاهی تاسیس گردید - روند روبه‌رشدی پیدا کرد.

با این همه باید گفت، تاریخ شفاهی در کل پدیده جدیدی به‌شمار نمی‌آید، بلکه حتی قبل از مورخان، جامعه‌شناسان در تحقیقات جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی خود به این شیوه پژوهشی توجه نموده‌اند. با بررسی افسانه‌ها و سنن، این احتمال به ذهن متبادر می‌شود که چه‌سایه‌همگی این پدیده‌های موجود در جوامع انسانی در واقعیات زندگی و تاریخ گذشته مردم ریشه داشته‌اند و اینک با گذشت زمان و نقل سینه‌به‌سینه شاخ و برگ و گسترش یافته‌اند. از این رو، جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان در مواردی که قوم یا ملتی از تاریخ مکتوب برخوردار نباشد - مانند

قبایل آفریقا - از رسوم و سنن رایج و روایات شفاهی موجود، به عنوان یک منبع اطلاعاتی بهره می‌گیرند. جالب آن که در بسیاری موارد، پایه تاریخ‌نگاری ملل متمدن نیز بر روایات شفاهی استوار بوده است. از نمونه‌های بسیار بارز آن - چنان که پیشتر نیز اشاره شد - تاریخ صدر اسلام می‌باشد که کاملاً بر روایات تابعین از صحابه و یا بر نقلیات تابعین تابعین استوار بوده است. چنانکه در روایات اسلامی، همواره نام منبع خیر به همراه کلمه «قال» ذکر می‌شود.^۱

معاد یخوایه - رئیس بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی - درباره تاریخ شفاهی می‌گوید: «هیاهویی که پیرامون موضوع تاریخ شفاهی در دنیا ایجاد شده و آن را به دانشگاه‌ها وارد نسبت داده‌اند، کاملاً ناموجه است. برخی به این ماجرا چنان می‌نگرند که گویی تحولی اتفاق افتاده است. این طور نیست. اصلاً به‌یک معنا تمام منابع تاریخی مثل تاریخ طبری در شمار تاریخ‌های شفاهی‌اند. به‌این معنا که مثلاً همین تاریخ طبری وقایعی مثل جنگ بدر را نقل می‌کند و سپس خاطره‌هایی را درباره آن گزارش می‌کند. تفاوت این منابع با آثار امروزی در این است که منابع پیشین تاریخی، سلسله اسناد وقایع را نیز ذکر می‌کنند که خود امتیازی است نسبت به کارهای امروزی. از ابتدا تا آخر تاریخ طبری چیزی جز تاریخ شفاهی نیست. ابن‌اثیر، ابن‌زهری و ذهبی [نیز] همچنین روشی در تاریخ‌نگاری دارند. تاریخ شفاهی بسیار بارز است. به‌این شرط که افراد استفاده‌کننده به دانشی مجهز باشند که بتوانند درست و نادرست را از یکدیگر تشخیص دهند. اگر منابع معتبر تاریخ اسلامی را طبقه‌بندی کنیم، به نظر می‌آید منابع دست اول، جزء تواریخ شفاهی هستند. همچنین درصد بالایی از تواریخی که حالت گزارش دارند، نیز نقل خاطرات و تاریخ شفاهی است.»^۲ دکتر اصغر منتظر قائم - استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان - درباره جایگاه تاریخ شفاهی در میان مسلمانان و نخستین تلاش‌های آنان در این راستا می‌گوید: «ضبط و حفظ احادیث سیره و مغازی، گام



مهمی بود در راستای درک و فهم و تفسیر قرآن به همین خاطر مسلمین از همان صدر اسلام اهتمام و عنایت ویژه‌ای به این امر نشان دادند. در این میان تأکید قرآن بر اسوه‌قراردادن و الگوبرداری رفتار و کردار پیامبر، سبب توجه اصحاب، به‌ویژه امام علی (ع) و تابعین، به زندگانی و شرح احوال آن نبی اکرم در دوران پیش از بعثت و پس از آن گردید.^۱

وی همچنین می‌گوید: «علم‌الحديث و سنت شفاهی در فرایند تکامل تاریخی خود با پرسشها و مسائل گوناگونی مواجه بود. از جمله مساله جائز الخطاب بودن و غیر قابل اعتماد بودن حافظه انسان، شرایط راوی، احادیث و روایات صحیح و ضعیف، شرایط حدیث و نظایر آن. به همین خاطر علمای حدیث دستورالعملهایی برای علم‌الحديث وضع کردند که رئوس کلی و عمده پاره‌ای از آنها به شرح زیر است:

- ۱- تقسیم‌بندی خبر ۲- شرایط علم به خبر متواتر
- ۳- شرایط حدیث ۴- مراتب ارجحیت احادیث
- ۵- شرایط راوی ۶- شرایط حمل و نقل سنت شفاهی. و بدین ترتیب علم‌الحديث و سنت شفاهی به صورت یک علم مدون درآمد و صدها کتاب حدیث نزد شیعه و سنی نگاشته شد. به‌طوری که بعدها خود به صورت یکی از مهم‌ترین منابع تاریخ‌نگاری در اسلام درآمد.^۲

دکتر منتظر قائم سه وجه عمده کارکرد تاریخ را چنین برمی‌شمارد: «الف- تاریخ به منزله راهنمای عمل اجتماعی از طریق انتقال مفاهیم، مضامین و

رویدادهای گذشته به حال، همان کارویژه یا فانکسیون‌هایی که به‌طور سنتی و در افواه عوام در قالب احکام گزاره‌ای «تاریخ، آئینه عبرت» یا «گذشته چراغ راه آینده» ارائه می‌شود. ب- تاریخ به منزله نهادی برای آموزش، انتقال و اشاعه مدنیت ج- تاریخ به منزله نهادی برای سازماندهی و ساماندهی امور سیاست، جامعه، فرهنگ و اقتصاد در حال و آینده. به عقیده آقای دکتر مرتضی نورائی استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان از منظر فوق هیچ تفاوتی بین کارکرد تاریخ و کارکرد تاریخ شفاهی وجود ندارد. اما تاریخ شفاهی به عنوان منبع اصلی و مکمل برای تاریخ عمل می‌کند. کار مورخ شفاهی یافتن حلقه‌ها و جهانهای گم‌شده در عرصه‌های مختلف تاریخ است. در این حلقه‌های مفقوده و عوالم گم‌شده در حقیقت زنجیره‌های بهم‌پیوسته یا منفرد و گسسته‌ای از آمال و آرزوها، اهداف، دغدغه‌ها، نیات، رفتار و... وجود دارند که در اکثر موارد در اسناد رسمی داخل نمی‌گردند. بنابراین گوشه‌هایی از تاریخ ناگفته و پنهان را تشکیل می‌دهند. با این توصیف کار مورخ شفاهی - به‌ویژه در عصر حاضر - کشف، بازآفرینی، بازیابی و بازسازی وقایع گذشته است.^۳

وی در ادامه به تعبیر از الساندر پرتلی (A. Portelli) - استاد کرسی ادبیات دانشگاه رم - می‌گوید: «اولین چیزی که تاریخ شفاهی را متمایز می‌سازد این است که تاریخ شفاهی پیش از آنکه درباره واقعه (event) خبر دهد درباره مفاهیم یا برداشتها (concepts) و معانی

(meanings) آن سخن می‌گوید.» و سپس می‌افزاید: «این، نه تنها از ارزش تاریخ شفاهی نمی‌کاهد، بلکه مبین یکی از کارویژه‌های اصلی آن است؛ زیرا مصاحبه معمولاً وقایع گمنام و ناشناخته و جنبه‌های مفقوده و مجهول وقایع را آشکار می‌سازد. اسناد شفاهی همواره بر حیطه‌های ناشناخته حیات روزمره طبقات غیرمسلط جامعه پرتوافشانی می‌کنند. به بیان دیگر، تاریخ شفاهی نه تنها درباره این که مردم چه کردند، سخن دارد، بلکه درباره این که آنها چه می‌خواستند بکنند، درباره منشأ باورها و اعتقادات آنان برای [توجیه] اعمالشان، و نحوه تفکر فعلی آنان درباره اقداماتشان نیز به ما خبر می‌دهد. در این صورت مردم تخلیه تاریخی می‌شوند و در حقیقت این یکی از شیوه‌های خاطره‌درمانی جمعی یک جامعه است که به مدد گذشته‌نگاری و تاریخ به برخی التیماهای روحی و فرهنگی دست می‌یازد.^۴

سالیومبای پژوهشگر آفریقایی درباره آرشیو شفاهی می‌نویسد: «عبارت آرشیو شفاهی که از مشاهدات شفاهی نشأت گرفته است، بحثی در میان متخصصان برانگیخته است. در آفریقا، بحث بر سر متون شفاهی است. متونی که در برگیرنده مشاهداتی است که شفاها منتقل شده است. در جوامع مجهز به نوشتار، متنها و در جوامع شفاهی، سنت‌ها نقش حیاتی در کارکرد درست جامعه ایفا می‌کنند. لذا سنتها تنها به سرگرمی و فرهنگ قومی ختم نمی‌شود بلکه نقش دوباره‌سازی جامعه را برعهده دارند.^۵

شیوه تحقیقات تاریخی، همانند خود تاریخ، پدیده‌ای در حال حرکت و جریان می‌باشد. مقوله تاریخ شفاهی یکی از پدیده‌های جدید به‌شمار می‌رود که برای دستیابی به رهیافت‌های تازه به‌ویژه در مطالعات تاریخی کاربرد دارد. نخستین فعالیت در این عرصه با موضوع تاریخ سیاسی و به‌طور مشخص با ضبط خاطرات سیاسی بر روی نوار شروع شد. در واقع این فعالیت با اختراع ضبط صوت و با استفاده از این تکنیک جنبه علمی پیدا کرد و عمدتاً در طول سه دهه اخیر بسط و توسعه یافت و افق‌های تازه‌ای را پیش روی پژوهشگران و به‌ویژه تاریخ‌نگاران گشود. اختراع ضبط صوت، انقلابی در کار تحقیقات میدانی مربوط به مطالعات تاریخ به‌وجود آورد که از دهه ۱۹۷۰ به بعد از آن تحت عنوان جنبش تاریخ شفاهی (Oral History Movement) یاد می‌شود. نخستین ابتکار در این زمینه در سال ۱۹۴۸ م توسط پرفسور آلن نونیز در دانشگاه کلمبیای آمریکا انجام گرفت. او در جریان مطالعه پاره‌ای اسناد تاریخی به امکان استفاده از ضبط صوت برای ضبط و گردآوری خاطرات پی برد و نخستین طرح خود در زمینه تاریخ شفاهی را به ضبط و گردآوری خاطرات سیاسی گروهی از شخصیت‌های سیاسی و عمدتاً بازنشسته آمریکایی اختصاص داد. از آن زمان به بعد بود که اصطلاح Oral History رواج یافت و این اصطلاح در سال‌های اخیر در زبان فارسی به «تاریخ شفاهی» ترجمه شده است.^۶

تاریخ شفاهی پس از تشکیل انجمن جهانی تاریخ شفاهی (OHA) در سال ۱۹۷۰ م رشد و گسترش چشمگیری یافته است و از جمله مراکز تاریخ شفاهی فعال در خصوص مطالعات مربوط به تاریخ ایران در خارج از کشور را می‌توان چنین نام برد:

- ۱- پروژه تاریخ شفاهی ایرانیان (OIHP) در مرکز مطالعاتی خاورمیانه دانشگاه هاروارد که در سال ۱۹۸۰ شکل گرفت. این مرکز به مدیریت حبیب لاجوردی تاکنون ده عنوان کتاب خاطرات به چاپ رسانده است.
- ۲- طرح تاریخ شفاهی جنبش چپ ایران از دهه ۱۹۲۰ تا دهه ۱۹۹۰ میلادی. که به منظور انجام مطالعات مربوط به فعالان سیاسی چپ در ایران، توسط حمید احمدی در سال ۱۹۸۳ م شکل گرفت. نحوه کار این مرکز به صورت ویدئویی می‌باشد و علاوه بر مصاحبه‌های فراوان، تاکنون دو عنوان کتاب خاطرات نیز منتشر نموده است.
- ۳- مرکز تاریخ شفاهی یهودیان که در آگوست سال ۱۹۹۵ م در لس آنجلس آمریکا به سرپرستی هما سرشار تاسیس شد و هدف آن گردآوری اطلاعات مربوط به یهودیان ایران در زمینه‌های مختلف از طریق مصاحبه می‌باشد.
- ۴- بنیاد مطالعات ایرانی که در سال ۱۹۸۱ به منظور جمع‌آوری، نگهداری و انتقال میراث فرهنگی ایرانیان در نیویورک به‌وجود آمد و تاکنون صدو هشتاد مصاحبه در این زمینه به انجام رسانده است.
- ۵- اداره تحقیقات تاریخ شفاهی، در کتابخانه دانشگاه لیما (ارتباطات ایران و آمریکا)، که تعدادی از

مصاحبه‌های آن به روابط ایران، آیزنهاور، کندی، جانسون، نیکسون و کارتر اختصاص دارد.^۸

علاوه بر این، در سال‌های اخیر در داخل کشور نیز به تاریخ شفاهی توجه فراوانی مبدول گردیده است که به منظور هماهنگ‌سازی ساختن این قبیل فعالیتها و نظام‌مند کردن، تئوریزه نمودن و تعیین ساختارهای فکری و نظری نهاد تاریخ شفاهی و کمک به بهبود این فعالیتها، انجمن تاریخ شفاهی ایران با شرکت یازده نهاد علمی - تحقیقاتی تشکیل شده است.^۹

لازم به ذکر است منابع مکتوب در مورد تاریخ معاصر ایران بسیار محدود، ناقص و در پاره‌ای موارد با تمایلات و گرایشهای یکجانبه نوشته شده‌اند. مدارک، اسناد و گزارشهای رسمی باقی مانده نیز هرچند نقش مهمی در تدوین تاریخنگاری ایران معاصر ایفا می‌کنند، اما این منابع به‌طور کلی از فیلتر سانسور عبور کرده‌اند. علاوه بر آن که، چنانچه آشکار است یکی از منابع اصلی پژوهشگران تاریخ - به‌ویژه در خصوص مسائل سیاسی - گزارشها و اسناد موجود در سفارتخانه‌های خارجی می‌باشد، در حالی که هر کدام از منابع مذکور ملاحظات خاص خودشان را در نگارش گزارشهایشان مدنظر داشته‌اند.

با این همه، گرچه در کل نقش تاریخ شفاهی به‌عنوان مکمل منابع مکتوب و نوشتاری پذیرفته شده است، اما ایراد بزرگ پژوهشگران ما در پرداختن به تاریخ شفاهی اکتفا به کسب اطلاعات از کسانی است که توانسته‌اند در عرصه تاریخ و سیاست به قدرت دست یابند؛ چنان‌که در بررسی یک واقعه، تمایل غالب بر آن است که شخصیت مورد مصاحبه از افراد مشهور و درجه اول باشد و لذا از افراد مطلع درجه سه و چهار استفاده نمی‌شود؛ حال آن‌که گاه افراد فعال در رده‌های میانی قدرت، مسائل را بهتر تشخیص می‌دهند و از اطلاعات بسیار خوبی برخوردار هستند.^{۱۰}

خسرو معتضد - مورخ و محقق - درباره تاریخ شفاهی می‌گوید: «التصور می‌کنم که تاریخ شفاهی از زبان قهرمانان و بازیگران حوادث، به‌مراتب بر تاریخ مخدوش و چند بار تحریف شده کتبی - مگر اسناد و مدارک - رجحان دارد. به این دلیل که معمولاً کسانی که بازیگر یک حادثه و قهرمان یک واقعه تاریخی بوده‌اند هنگامی که زبان به سخن می‌کشایند و به شرح جزئیات می‌پردازند، که این روش بر این که یک نفر صرفاً براساس مدارک و مقالات مطبوعات یا کتابهای دیگر یا حتی اسناد و مدارک سخن بگوید بیشتر قابل اعتماد است. از طرفی شخصی که خود در جریان وقایع بوده یا آمر و یا مأمور دستوری بوده، می‌تواند نگاه محقق و مورخ را دقیق‌تر و موثکافه‌تر نماید. اما یک پژوهشگر نیز می‌بایست اطلاعات کاملاً دقیق و سنجیده حتی در مسائل جزئی واقعه تاریخی مورد نظر یا حوادث دوران زندگی و فعالیت پرسش‌شونده داشته باشد و بتواند در مواردی که او به دلیل منافع شخصی یا خودخواهی یا کتمان حقایق یا به دلایل دیگر از بیان واقعیات طفره می‌رود یا مسائل فرعی را عنوان می‌کند مسله را به‌صورت دوستانه و مشارکتی توضیح داده و به یک مقطع درست و واقعی از موضوع مورد گفتار برسد.»

گرچه در کل نقش تاریخ شفاهی به‌عنوان مکمل منابع مکتوب و نوشتاری پذیرفته شده است، اما ایراد بزرگ پژوهشگران ما در پرداختن به تاریخ شفاهی اکتفا به کسب اطلاعات از کسانی است که توانسته‌اند در عرصه تاریخ و سیاست به قدرت دست یابند؛

چنان‌که در بررسی یک واقعه، تمایل غالب بر آن است که شخصیت مورد مصاحبه از افراد مشهور و درجه اول باشد و لذا از افراد مطلع درجه سه و چهار استفاده نمی‌شود؛ حال آن‌که گاه افراد فعال در رده‌های میانی قدرت، مسائل را بهتر تشخیص می‌دهند و از اطلاعات بسیار خوبی برخوردار هستند

مقوله تاریخ شفاهی با اختراع ضبط صوت و با استفاده از این

تکنیک جنبه علمی پیدا کرد و عمدتاً در طول سه دهه اخیر بسط و توسعه یافت و افق‌های تازه‌ای را پیش روی پژوهشگران و به‌ویژه تاریخ‌نگاران گشود. اختراع ضبط صوت، انقلابی در کار تحقیقات میدانی مربوط به مطالعات تاریخ به‌وجود آورد که از دهه ۱۹۷۰ به بعد از آن تحت عنوان جنبش تاریخ شفاهی (Oral History Movement) یاد می‌شود

منابع مکتوب در مورد تاریخ معاصر ایران بسیار محدود، ناقص و در پاره‌ای موارد با تمایلات و گرایشهای یکجانبه نوشته شده‌اند. مدارک، اسناد و گزارشهای رسمی باقی مانده نیز هر چند نقش مهمی در تدوین تاریخنگاری ایران معاصر ایفا می‌کنند، اما این منابع به‌طور کلی از فیلتر سانسور عبور کرده‌اند. علاوه بر آن که، چنانچه آشکار است یکی از منابع اصلی پژوهشگران تاریخ - به‌ویژه در خصوص مسائل سیاسی - گزارشها و اسناد موجود در سفارتخانه‌های خارجی می‌باشد، در حالی که هر کدام از منابع مذکور ملاحظات خاص خودشان را در نگارش گزارشهایشان مدنظر داشته‌اند.

برای بهبود و از تقابخشیدن به سطح تاریخ شفاهی کشور باید، از سوی محافل علمی و دانشگاهی، به‌ویژه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تاریخ شفاهی به عنوان یک «رشته دانشگاهی» - و نه صرفاً درس دانشگاهی - در برنامه دانشگاهها گنجانده شود تا دانشجویان و علاقمندان به این رشته بتوانند با جدیت، پشتکار و امید بیشتر به تحصیل در این رشته و فعالیت در آن بپردازند

وی همچنین می‌گوید: «آنچه که در تاریخ شفاهی ایجاد دشواری و ابهام می‌کند این است که معمولاً سیاست‌پیشگان یا سرشناسان و خلاصه همه کسانی که در حیطه تاریخ شفاهی از آنان پرسش می‌شود، اغلب به دلیل گذشت زمان و نسیان و نیز به‌خاطر خودخواهی و خودمحوری، سعی می‌کنند تمام نکات و دقایق تاریخی را به نفع خود توجیه نمایند و به این ترتیب است که محقق و مورخ هنگامی که به تاریخ شفاهی مراجعه می‌کند باید دقیقاً مراقب این‌گونه ظفره‌رفتنها یا اشتباهات عمدی یا سهوی باشد و راه روشن کردن این‌گونه مبهمات مراجعه به اسناد و مدارک و نیز تاریخ شفاهی مبتنی بر اظهارات دیگر بازیگران صحنه سیاست در همان زمان و نیز مراجعه به اسناد و مدارک بین‌المللی مرتبط با حوادث و رویدادهای کشور در همان مقطع زمانی است. پژوهشگران ورزیده و صاحب‌دانش به‌راحتی می‌توانند ضدونقیضها، دروغگوئیها و ظفره‌رفتنها را کشف کرده و در تحقیق نهایی و غایی آن نکات را مدنظر داشته باشند»^{۱۱}

تاریخ شفاهی اگر صرفاً به اطلاعات حاصل از زبان بازیگران طراز اول و صدر اکتفا نکند بلکه از مجموعه گفته‌ها و مشاهدات و حتی داستان‌سراییهایی افراد گوناگون شاهد و ناظر در صحنه برای تبیین تاریخ واقعی یک دوره از حیات سیاسی و اجتماعی کشور بهره بگیرد، آن‌گاه از اهمیت و اعتبار شایانی برخوردار خواهد بود. ضمن آنکه با مراجعه به اسناد و مدارک داخلی و خارجی و مکاتبات و مخابرات نیز می‌توان تا حدود بسیار زیادی به چگونگی یک رخداد تاریخی واقف شد. مراجعه به تاریخ شفاهی گرچه بسیار ارزنده است اما این کار باید توأم با احتیاط صورت پذیرد. تاریخ شفاهی و مکتوب مکمل یکدیگرند و این همه مرهون تکنولوژی اطلاع‌رسانی و گذشت زمان است. در واقع نه تاریخ شفاهی بر تاریخ مکتوب و اسناد رجحان دارد و نه برعکس، بلکه این دو تنها در آینه یکدیگر به منصفه ظهور می‌رسند.

آنچه تاریخ شفاهی را به صحنه آورد، پیشرفتهای تکنولوژی بود. تا آغاز قرن بیستم که فونوگراف و گرامافون روانه بازار شدند، هنوز این تصور که با استفاده از یک ضبط صوت خبری بتوان صداها و حتی تصاویر را ثبت و ضبط کرد، به فکر انسان نمی‌رسید. اما پس از اختراع وسایل صوتی و تصویری متعدد، در ابعاد متفاوت و با حوزه کاری بسیار گسترده، نظیر اینترنت، ماهواره و... تاریخ و تاریخ‌نگاری قرن بیستم نسبت به تمام دوران طولانی پیش از خود که وقایع صرفاً با استفاده از ابزار کاغذ و قلم قابل ضبط بود، مزیت کاملاً ویژه‌ای پیدا کرد. گرچه با ظهور این تکنولوژی ضبط رویدادها در کل از تفاوت عمده‌ای با آنچه پیش از آن - مثلاً در عصر گزنفون و حتی در قرن نوزدهم در کار امثال آلبرماله و ژول ایژاک - رایج بوده، برخوردار است اما (با این وجود هرگز نمی‌توان فکر و بینش محقق و پژوهشگر را فاقد اعتبار دانست)^{۱۲}

دکتر حسینعلی نودری - پژوهشگر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران - می‌گوید: «کار مورخان شفاهی عبارت است از حفظ و نگهداشت خاطرات و یادمانده‌های سیاستمداران و نیروهای سیاسی و اجتماعی مخالف نظم حاکم و مستقر (یعنی نیروهای اصطلاحاً موسوم به اپوزیسیون)، مقامات رسمی و زمامداران اسبق و حال؛

دست‌اندرکاران و مسئولان و کارورزان حوزه‌های مختلف فعالیتها و نهادها و گرایشها و جریانهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مردمان بومی یک منطقه و مهاجران یا بیگانگان مقیم در آن منطقه؛ هنرمندان و داستان‌پردازان و قصه‌نویسان؛ شهروندان کشوری و لشکری و دیگر موارد عیدیه و عواملی که به‌نوعی با یک پدیده یا فاکت [fact] یا واقعه اصطلاحاً تاریخی سروکار داشته و یا دارند؛ به‌عبارت‌عام‌تر تمامی سوژه‌ها، عوامل و کارگزاران انسانی صرف‌نظر از هرگونه تمایزها و تبعیضهای قومی، نژادی، زبانی، جنسیتی و طبقاتی»^{۱۳}

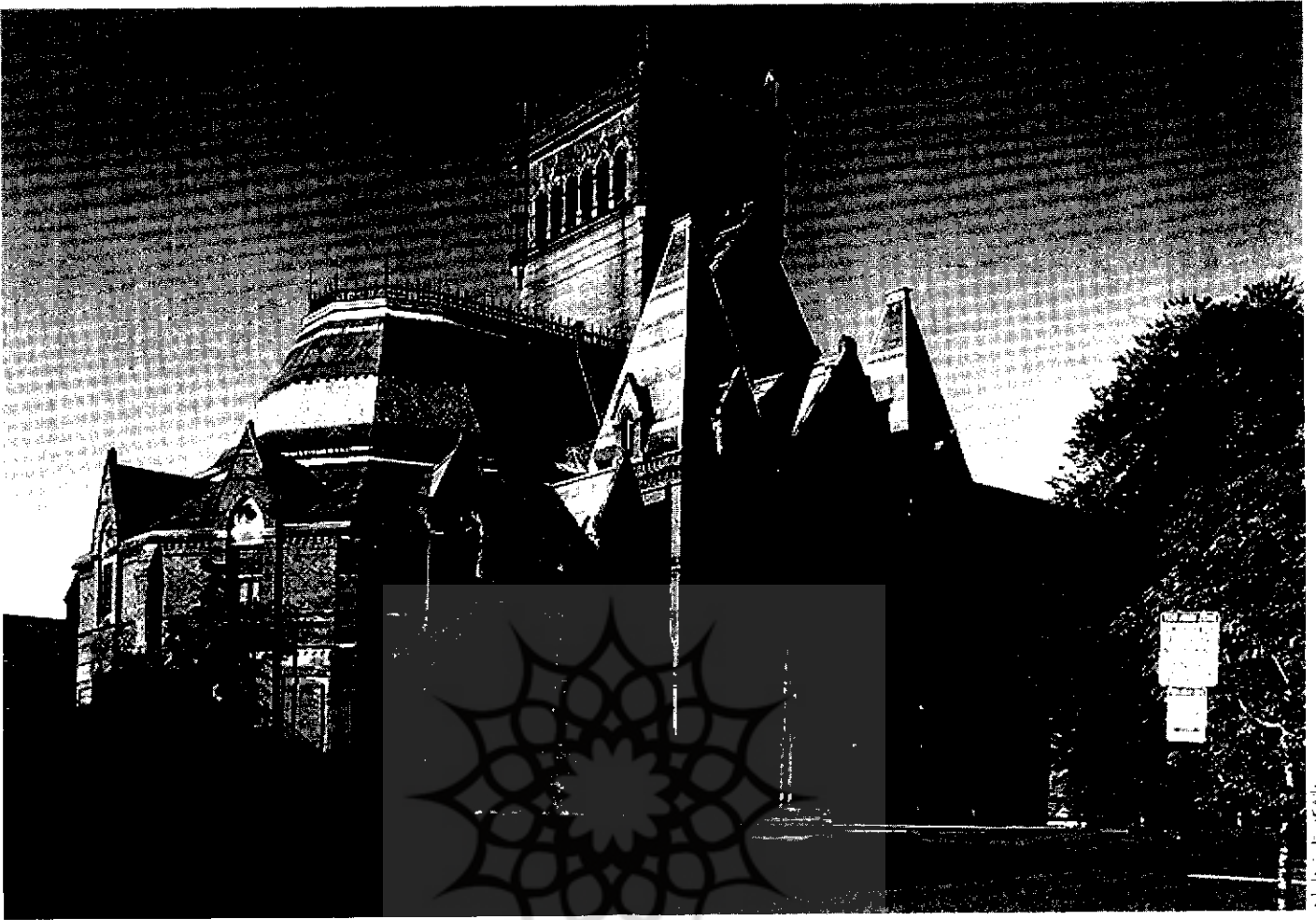
وی همچنین معتقد است برخلاف تصورات و پنداشت‌های غیرعلمی و نادرست رایج، تاریخ شفاهی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین روشهای تاریخنگاری می‌باشد و از نقشی بسیار تعیین‌کننده در شواهد و مدارک لفظی و بیانی برخوردار است.^{۱۴}

مرتضی رسولی پور - پژوهشگر تاریخ - در مورد تاریخ شفاهی می‌گوید: «در واقع اگر بخواهیم تعریف ساده‌ای از تاریخ شفاهی مطرح کنیم، باید بگوئیم که تاریخ شفاهی یعنی جمع‌آوری اطلاعات زبانی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و بخصوص تاریخ. البته با توجه به مقتضیات روحی انسانها که همیشه حرفهای زیادی برای گفتن دارند، هرکسی پاره‌ای از مکنونات خودش را - فرق نمی‌کند که این شخص چه کسی باشد - روی کاغذ نمی‌آورد و هیچ وقت هم بیان نخواهد کرد»^{۱۵}

اهمیت تاریخ شفاهی در تدوین تاریخنگاری معاصر ایران به آن جهت است که منابع مکتوب پاسخگوی نیاز پژوهشگران نیست. اما به نظر می‌رسد پرداختن به تاریخ شفاهی هم مشکل بزرگ تاریخنگاری ما را حل نکند، چون ما باز هم به سراغ قدرتمندان می‌رویم، یعنی مثلاً در بررسی قدرت حاکم ما به سراغ افراد درجه یک می‌رویم نه افراد مطلع درجه سه و چهار.^{۱۶}

تاریخ شفاهی، انتقال تجربه فردی اشخاص و تریبونی است برای کسانی که امکان دسترسی به ابزار و موقعیتهای یا بسترهای لازم جهت بیان و انتقال خاطرات خود را ندارند.^{۱۷} محسن کاظمی - مورخ و تاریخ‌نگار انقلاب اسلامی - درباره تاریخ شفاهی می‌گوید: «تاریخ شفاهی تکنیک، روش و شیوه‌ای است که با استفاده از ابزار صوتی و تصویری نظیر ضبط صوت و یا دوربین فیلمبرداری، خاطرات، مشاهدات و مسموعات عامل (هدایت‌کننده، مجری و نقش‌آفرین) و یا شاهد و حاضر یک صحنه، رویداد و واقعه تاریخی را در قالب کلام و سخن (گفت) ثبت و ضبط می‌نماید»^{۱۸}

رابرت ایگرتان کوک - رئیس آرشیو شفاهی هلند - درخصوص اسناد سمعی و بصری می‌گوید: «از جنگ جهانی دوم تاکنون مرتباً بر اسناد سمعی - بصری افزوده شده است این اسناد نه تنها به عنوان تکمیل‌کننده اطلاعات مکتوب، بلکه به عنوان اسنادی که دارای ارزش وجودی هستند، مطرح شده‌اند. محققان پس از ارزیابی مجدد این نوع اسناد به عنوان منابع تحقیقات تاریخی، پی بردند که نمایش سمعی و بصری زندگی یک فرد یا یک حادثه، می‌تواند به مراتب



از توصیف محض آن موفق تر باشد. بسیاری از فرهنگ‌های غیرغربی بیشتر از آنکه به قدرت کلمات مکتوب وابسته باشند، به برقراری ارتباط از طریق صوت و تصویر وابسته‌اند. آنها به جهت حفظ میراث فرهنگی خود باید بتوانند منابع سمعی و بصری را مورد بهره‌گیری قرار دهند. در این گونه جوامع مخصوصاً این مسأله ثابت شده است که استفاده از ارتباطات صدا و تصویر موثرتر از سایر طرق ارتباطی است. این بدان معنا است که مجموعه‌های سمعی - بصری باید به‌عنوان مجموعه‌های تخصصی ویژه بیناگذاری شوند و تحت مدیریت آرشیو ملی قرار گیرند.^{۱۹} استفاده از اسناد سمعی و بصری در مطالعات جدید و تحقیقات به‌سرعت وسعت می‌یابد. مطابق گزارش آرشیوها، هر سال بر تعداد استفاده‌کنندگان از این اسناد افزوده می‌شود.^{۲۰}

نقش خاطرات در تاریخ شفاهی

خاطره به‌اموری اطلاق می‌گردد که بر شخص گذشته‌اند و آثاری از آنها در ذهن وی باقی مانده است. همچنین به گذشته‌های آدمی و به وقایع گذشته‌ای که شخص آنها را دیده یا شنیده باشد، خاطره گفته می‌شود.^{۲۱} نکته مهم در مورد خاطره‌نویسی یا ثبت یک خاطره، فراهم آوردن شرایطی است که همه افراد موثر در ایجاد یک واقعه بتوانند درباره آن، دیده‌ها و برداشتهای‌شان

را اظهار کنند. از طرفی باید اذعان داشت که همه خاطرات را نمی‌توان یکسره بی‌پایه و فاقد حقیقت قلمداد کرد. کسی که در بیان یا نگارش خاطراتش راه خطا را طی می‌کند یا به وادی اغراق گویی و تعریف از خود منحرف می‌شود، به‌طورمسلم مخاطبی برای خودش پیدا نخواهد کرد. ضمن آن که داوریهایی عمومی مردم در امور تاریخی کمتر به خطا دچار می‌شود و توجه به این مسأله مطمئناً بر رونق بازار نقد منطقی خواهد افزود؛ زیرا خاطره‌نویس و منتقد هر دو در معرض افکار عمومی و داوری مردم قرار دارند. باین همه نباید فراموش کرد که متاع کفر و دین بی‌مشرتی نیست. و این مسأله می‌تواند در زمان تولید این محصولات تاریخی بر قضاوت مقطعی مردم تأثیر بگذارد و لذا ضروری است که دست‌اندرکاران آن هرچه‌بیشتر به استانداردهای کاری بیندیشند تا در عرصه قضاوت بلندمدت در جایگاهی شایسته و مقبول قرار گیرند.^{۲۲}

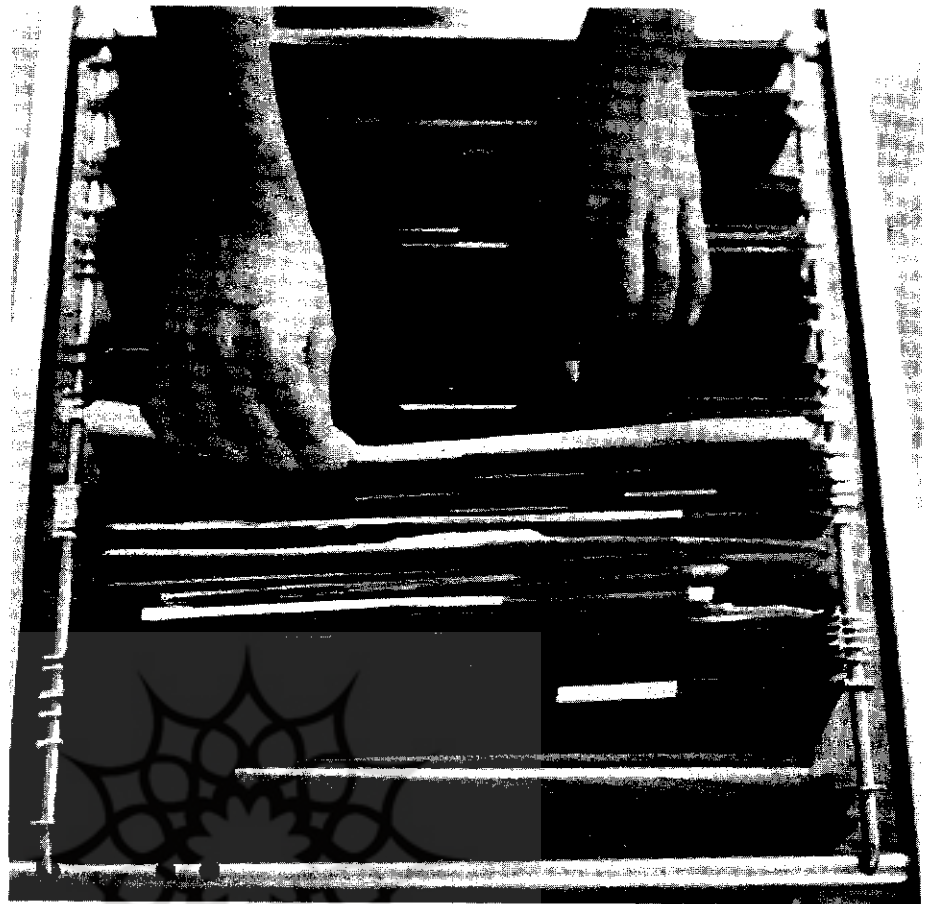
مشکلات عمده در خاطره‌نویسی، بیش‌ازهرچیز در ارتباط با حوزه سیاست رخ می‌دهد اما در موضوعات دیگر، افراد مصاحبه‌شونده و یا خاطره‌نویس عمدتاً از بیان حقیقت پرهیز نمی‌کنند. مصاحبه با یک فرد متخصص در زمینه تاریخ موسیقی ایران نیز در حیطه تاریخ شفاهی قرار می‌گیرد، اما این متخصصان در قیاس با دست‌اندرکاران حوزه سیاست به‌راحتی و با

آسایش بیشتری درخصوص موضوع مربوط به خود اظهارنظر می‌کنند. وجه عمده و مشترک بسیاری از خاطرات، ادعای افراد بر صحت عملکرد خود و اصرار بر اشتباهات دیگران است و عمده خاطره‌نویسان و مصاحبه‌شوندگان، بنا به پاره‌ای ملاحظات انسانی تاریخ را بر مبنای دفاع از نقشی که خود داشته‌اند تحلیل و تفسیر کرده‌اند.^{۲۳}

هدف تاریخ شفاهی و اصول کارکرد آن

هدف اصلی تاریخ شفاهی بسط و گسترش دانش تاریخی در حوزه‌هایی است که شواهد و مدارک مستند (اسنادی) نادر و یک‌طرفه (یکجانبه) هستند و یا اساساً هیچ شاهد و مدرکی موجود نیست.^{۲۴} البته ذکر خصوصیات کسانی که با عزمی راسخ و عشقی عظیم در راه آرمانهای بزرگ کوشیده‌اند، امری دشوار و شاید ناشدنی باشد، به‌ویژه این که واقعیت‌نگاری شیوه علمی تاریخ‌نویسی راه را بر همدلی یکسویه می‌بندد و همه‌چیز را در چارچوب معیارهای علمی، عینی و محسوس ارزیابی می‌کند.^{۲۵}

دامنه شمول و کاربرد و حوزه‌های درگیری تاریخ شفاهی بسیار وسیع، متنوع و گسترده است. مصاحبه‌ها، دامنه گسترده‌ای از یادآوری خاطرات گذشته، قصه‌ها و گفته‌های عامیانه، ترانه‌ها و



هرکدام از مراکز آرشویی و پژوهشی - تحقیقاتی مربوط. به این صورت باید باشد که ضمن قبول مسئولیت در برابر آیندگان، با برنامه‌ریزی و الویت‌بندی افرادی را که با عزمی راسخ و عشقی عظیم در راه آرمانهای بزرگ کوشیده‌اند، معرفی کنند و اطلاعات ذی‌قیمت موجود در نزد آنها را با استفاده از ابزارهای قابل استفاده ضبط، پیاده‌سازی، تایپ و ویرایش کنند تا به صورت یکی از منابع مهم در کنار اسناد کتبی مورد بهره‌برداری قرار گیرند. ■

پی‌نوشت‌ها

* کارشناس بررسی و برنامه‌ریزی اسناد و مدارک سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

۱- شفیقه نیک‌نفس، «آشنایی با اداره آرشو شفاهی»، گنجینه اسناد، سال چهارم شماره ۱۵، پاییز ۱۳۷۳، ص ۹۲

۲- تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، گفتگو با حجت‌الاسلام عبدالمجید معادیخواه خردنامه همشهری برگرفته از سایت اینترنتی:

<http://www.hamshahri.org/viJenam/Kherad/1383>

۳- علی قربانی، «گزارشی از برگزاری سمینار و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی در دانشگاه اصفهان»، نشریه تاریخ معاصر ایران، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۸۳، صص ۳۶۰-۳۶۱

۴- همان، ص ۲۵۲

۵- همان، ص ۲۵۲

۶- سالیومای، «سرزمین سنت‌های شفاهی»، مترجم لیلا ابراهیمی، گنجینه اسناد، سال سیزدهم، شماره‌های پیاپی ۵۱ و ۵۲، پاییز و زمستان ۸۲، ص ۹۷

۷- حمید احمدی، «طرح تاریخ شفاهی جنبش ایران از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۹۰م»، برگرفته از سایت اینترنتی:

<http://www.iranian-t-o-history.com>

۸- ابوالفضل حسن آبادی، «معرفی مراکز تاریخ شفاهی در جهان»، مشهد، انتشارات مدیریت امور اسناد و مطبوعات بخش آرشو شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، (بی‌تا)، ص ۶۲

۹- علی قربانی، همان، ص ۳۶۶

۱۰- مرتضی رسولی‌پور، «تاریخ شفاهی زاویه ایرانی»، گفت‌وگو از آرش آذرنگ، کتاب هفته، شماره ۱۴۰، ۱۲ مهر ۸۲، ص ۹

۱۱- خسرو معتمدی، «شعبان جعفری و مشکل کتمان! گفتگو زهرا حاج محمدی»، کتاب هفته، شماره ۸۳، ۱۳ مهر ۸۳، ص ۱۰

۱۲- همان

۱۳- علی قربانی، همان، ص ۳۵۶

۱۴- همان، ص ۳۵۳

۱۵- مرتضی رسولی‌پور، همان، ص ۹

۱۶- همان

۱۷- علی قربانی، همان، صص ۳۵۱-۳۵۰

۱۸- ائلدار محمدزاده صدیق، «گزارشی از اولین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی در دانشگاه اصفهان»، روزنامه فرهنگ، ۵ مرداد ۸۳

۱۹- رابرت ایگنردان کوک، «حفاظت از عکس و فیلم در آرشو سمعی-بصری» مترجم شفیقه نیک‌نفس، نشریه روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان اسناد ملی ایران، شماره ۱۴، شهریور ۷۲، ص ۱

۲۰- همان، ص ۱۵

۲۱- فرهنگ دهخدا، ج ۶، ذیل مدخل خاطر نشان، چاپ اول از دوره جدید، تهران، دانشگاه تهران، بهار ۷۲، ص ۸۱۹۱

۲۲- مرتضی رسولی‌پور، همان، ص ۹

۲۳- همان

۲۴- علی قربانی، همان، ص ۲۵۴

۲۵- رزا ناظم، «تاریخ شفاهی گروه ابوذر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زمستان ۸۲، ص ۱۶

۲۶- علی قربانی، همان، ص ۲۵۵

۲۷- همان، صص ۳۵۲-۳۵۳

تاریخ در جوامع بی‌سواد محسوب می‌شده که فرهنگ جوامع را از طریق افسانه‌ها و داستانها سینه‌به‌سینه منتقل می‌کرده است. در صدر اسلام نیز شکل اولیه انتقال تاریخ - که اخبار نامیده می‌شد - براساس روایات شفاهی صورت می‌گرفت و در دو قرن نخست، تاریخ شفاهی تنها منبعی بود که به آنها در انتقال سنت، حدیث و تاریخ کمک می‌کرد. در سده جدید زمینه‌های رشد و توسعه تاریخ شفاهی با پیشرفت تکنولوژی تسهیل شد و از همین رو، در چند سال اخیر نسبت به تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری از سوی محققان و پژوهشگران توجه خاصی معطوف می‌گردد. اما چه باید کرد تا تاریخ شفاهی به‌عنوان یکی از مهمترین و اساسی‌ترین روشهای تاریخنگاری در کشور رو به ترقی نهاده و از آن در تحقیقات تاریخی به نحو مطلوبی استفاده گردد؟

برای بهبود و ارتقا بخشیدن به سطح تاریخ شفاهی کشور، توجه به دو مساله ضروری است:

- ۱- از سوی محافل علمی و دانشگاهی، به‌ویژه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. تاریخ شفاهی به‌عنوان یک «رشته دانشگاهی» - و نه صرفاً درس دانشگاهی - در برنامه دانشگاهها گنجانده شود تا دانشجویان و علاقمندان به این رشته بتوانند با جدیت، پشتکار و امید بیشتر به تحصیل در این رشته و فعالیت در آن بپردازند.
- ۲- مجموعه‌های تخصصی تاریخ شفاهی تحت مدیریت آرشو ملی بنیانگذاری شوند. وظیفه و رسالت

تصنیف‌ها و آوازهای محلی و عامیانه، شوخیها، مثل‌ها، امثال و حکم، لطیفه، چیستان، سنتها، آداب و شعائر و رسوم را پوشش می‌دهند که به‌صورت گفتاری یا نوشتاری ضبط و ثبت می‌شوند.^{۲۶}

اصول کارکردی برای تاریخ شفاهی عبارتند از:

- ۱- عدم اصالت منابع شفاهی به‌تنهایی؛ منابع شفاهی همواره در کنار منابع کتبی کاربرد دارند.
- ۲- مصاحبه فعال می‌تواند حدسیات و عناصر پنهان شده در پس لایه‌های مختلف را آشکار سازد.
- ۳- مصاحبه فعال می‌تواند به آشکارساختن نکات حائز اهمیت و نیات مندرج در اسناد کتبی کمک نماید.
- ۴- مصاحبه فعال می‌تواند بیانگر آمال، آرزوها، دغدغه‌های نهفته در پس امور مسلم و حقایق باشد.
- ۵- مصاحبه فعال می‌تواند به آشکارسازی وقایع و حوادث گم‌شده و کشف حلقه‌های مفقوده کمک نماید.
- ۶- جایگاه منابع شفاهی در فرایند تعمیم‌بخشی درخصوص خلاءهایی است که مورخ می‌تواند از آنها استفاده نماید.

۷- منابع شفاهی و تاریخ شفاهی می‌توانند همچون یک قابله (ماما) به عمل سزاین واقعه کمک کنند.^{۲۸}

نتیجه

تاریخ شفاهی، قدمتی به دیربگی تاریخ بشری دارد. از همان آغاز که بشر به قدرت تکلم دست یافت، تاریخ شفاهی بخشی از تاریخ انسانها بوده است و اولین نوع